

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله الذين بهم فتح الله و بهم يختم الله و لعنة الله على أعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا ايمان لمن لا أمانة له (ميزان الحكمة، 1: 410).

در بخش های گو ناگونی از معارف دین مسئله و وجوب حفظ و ادای امانت مطرح است. اصل این مهم مسئله ای شرعی نیست که اسلام با ادله ای مانند *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا* (النساء: 58) خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید، اساس آن را نهاده باشد بلکه هر خردمندی آن را در می یابد ولی شارع مقدس در این مدرک عقلی سه دگرگونی به شرح زیر ایجاد نموده است.

شارع مقدس و امانت

1. تقویت

حفظ و رد امانت اگر در نظام های عقلی نشانه ای تحسینی است، در دین به نشانه ای ایمان به خداوند ارتقا یافته است. از این رو اگر فردی واجبات را به جای آورد و محرمات را ترک کند اما نسبت به امانت مردم بی تفاوت باشد، به خداوند ایمان ندارد!!

2. توسعه مصداق

از دیگر دگرگونی ها، توسعه دادن نمونه های امانت است. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمودند: اعلم أن ضارب علي بالسيف وقاتله لو ائتمنتني واستنصحتني واستشارني ثم قبلت ذلك منه لأدیت إليه الأمانة (وسائل الشيعة، 19: 74). بدانکه اگر فردی که با شمشیر به امام علی (علیه السلام) زد و حضرت را کشت، اگر مرا امین بداند و از من طلب پند و مشاوره کند و من از او قبول کنم، هر آینه امانت او را بدو باز می گردانم.

همچنین از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که حضرت به شیعیان خود می فرمودند: عليكم بأداء الأمانة ، فو الذي بعث محمدا بالحق نبيا لو أن قاتل أبي الحسين بن علي (عليه السلام) ائتمنتني على السيف الذي قتله به لأدیته إليه (همان، 76). بر شما باد به ادای امانت. قسم بدانکه محمد ص را به حق به پیامبری برانگیخت، اگر قاتل پدرم حسین بن علی (علیه السلام) مرا بر شمشیری که بدان آن حضرت را کشت، امین کند، هر آینه آن را بدو باز می گردانم.

در کشورهایی که انقلاب می شود، وضعیت به هم می ریزد و روشن شدن وضعیت را به دست نظام جدید می سپارند در این میان افراط هایی نیز دیده می شود ولی پیامبر اسلام ص در زمان فتح مکه مصداقی نوین از امانت را نشان دادند.

پیامبر (صلي الله عليه و آله) با پیروزی کامل وارد شهر مکه گردید، عثمان بن طلحه را که کلیددار خانه کعبه بود احضار کرد و کلید را از او گرفت، تا درون خانه کعبه را از وجود بتها پاک سازد. عباس عموی پیامبر (صلي الله عليه و آله) پس از انجام این

مقصود تقاضا کرد که پیامبر (صلي الله عليه و آله) با تحویل کلید خانه خدا به او، مقام کلیدداری بیت الله که در میان عرب يك مقام برجسته و شامخ بود، به او سپرده شود، ولی پیامبر (صلي الله عليه و آله) بر خلاف این تقاضا پس از تطهیر خانه کعبه از بت‌ها، در خانه خدا را بست و کلید را به "عثمان بن طلحه" تحویل داد، در حالی که آیه مورد بحث را تلاوت می‌نمود "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا..." (واحدی، اسباب النزول، 325). [1]

3. بار حقوقی فقهی

آخرین دگرگونی شارع مقدس در امانت آن است که بدان حسن عقلی لباس قانون پوشاند و در جای جای شریعت از آن سخت گفت و قانون نیز دایره ای فراخ برای صدق مفهوم امانت فراهم آورد مانند اینکه در احکام جنگ و غنیمت آمده است که جان کافر در میدان جنگ هدر است و مال او به عنوان غنیمت أخذ می‌شود ولی اگر همین کافر روی کرد به مجاهد مسلمان و گفت: این مال من به دست تو امانت، آن را به همسرم مثلا برسان و او قبول کرد، این مال دیگر جزء غنایم به شمار نمی‌آید و باید آن را ادا کند به عبارت مختصر اگر اموال اهل حرب به صورت امانت در اختیار مسلمانی قرار گرفت، رد آن بر وی واجب است. (ر، ک: جواهر الکلام، 27: 124).

در مصطلح فقه میان واژه «ودیعه» و «امانت» تفاوت است و آن اینکه ودیعه مشروط به سپردن است ولی در امانت اگرچه به صورت قهری در دست انسان قرار گیرد، امانت است و احکام آن را دارد. مانند موارد زیر:

چیزی که به واسطه باد یا سیل به طور قهری در اختیار شخصی قرار گیرد. مالی که مالک، بدون اطلاع خود و گیرنده به وی تسلیم می‌کند (مانند پولی که در جیب لباس یافت شود و هیچ یک، از آن آگاه نباشند). مقدار اضافه ای که بر اثر اشتباه در حساب، از فروشنده یا خریدار به دیگری می‌رسد. مال پیدا شده. مالی که از دزد یا غاصب می‌گیرند. مالی که از دیوانه یا کودک برای حفظ از تلف می‌گیرند. هنگامی که کسی مال معلوم ...

تمام ارزش هایی را که پیامبران بر انسان ها به ارمغان آورده اند، امانت محسوب می‌شود. در حالات امیر المومنین امام علی(علیه السلام) چنین نقل شده است: يتململ و يتزلزل فيقال مالك يا أمير المؤمنين؟ فيقول لقد جاء وقت الصلاة وقت أمانة عرضها الله على السماوات والأرض فأبين أن يحملنها وأشفقن منها... (نور الثقلين، 4: 313). هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید حضرت مضطرب شده اندام شریفش به لرزه می‌افتاد، به آن حضرت گفته می‌شد، شما را چه شده است که چنین منقلب هستید؟ حضرت می‌فرمود: وقت امانتی فرا رسیده است که آسمان ها و زمین و کوهها آن را بر نتافتند و زیر بار آن نرفتند.

روحانیت و امانت پیامبران

هر انسانی از آن جهت که انسان است نسبت به دین خداوند که امانت الهی به دست او است، وظیفه هایی دارد تا چه رسد به روحانیون که به ندای وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبه: 122) - و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟ - لیبیک گفته اند. این وظیفه ها را در چند شماره پی می‌گیریم:

1. عدم تعرض

گاه تعرض به دین خدا از ناحیه دستان پلید شیطان صفتان متوجه دین می‌شود، این یک مسئله است اما گاه از ناحیه کسانی که خود را حافظ دین خداوند می‌دانند مورد تعرض قرار می‌گیرد این مسئله ای دیگر است این گناهی بزرگ تر است. دوستان گرامی در گوشه و کنار در میان انبوه سخنرانی ها هنگامی که میان جوانان می‌رویم کلیپ هایی را از برخی هم لباسی ها به ما نشان

می‌دهند که انسان انگشت حیرت به کام می‌گیرد که ای خدا اینان کجا درس خوانده، اینها واقعا عمر خود را در حوزه علمیه سپری کرده اند؟! برخی از این سخنان به لحاظ شرعی تعزیر دارد. باید هوشیار بود و از سر نادانی و غفلت و کج سلیقه ای مشکلات را برای خود و دیگران فراهم نیاوریم.[2]

2. محافظت

محافظت بدین معنا که در مقابل هجمه‌ها ساکت ننشینیم و پاسخ تعرض‌ها را به صورت متقن ارائه کنیم. برخی بدین گمان که الباطل يموت بترک ذکره در مقابل هر تعرضی سکوت می‌کنند تا جان نگیرد اما غافل از آن که چنان جانی به خود گرفته اند که بسان میکروب‌های کشنده در فضاهای سایبر و ... پخش شده و ایمان برخی از جوانان را ذبح می‌کند.

چند سال پیش در برابر سخنان برخی که در جمعی غیر تخصصی سخنانی غیرمنضبط گفته بودند به نیت خیر و حمیت نسبت به دین خداوند موضع‌گیری کردم بعد از برخی به بنده سخنی بس عجیب گفتند و آن اینکه آیا از نظر سیاسی این جهت‌گیری صحیح بود؟ این جمله بسیار برایم سنگین بود به حیرت فرو رفتم که اینان از ما می‌خواهند که فقه امام صادق ع و گنج رنج هزاران فقیه را به پای این جناح و آن جناح قربانی کنیم!!! غیرت دینی کجا رفته است إن الله غیور و یحب کل غیور(کافی، 5: 535). البته محافظت باید معقول و منطقی و مؤدبانه باشد و گرنه خود تبدیل به تعرض از جهتی دیگر می‌شود.

3. تبلیغ

وظیفه یکم، سلبی و وظیفه دوم انفعالی بود ولی وظیفه تبلیغ وظیفه ای ایجابی است که برآیندهای مثبتی از خود به جای می‌گذارد.

«تبلیغ» رساندن پیام‌های خداوند است به تعبیر قرآن کریم: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ (الاحزاب: 39) خداوند پیام‌های خود به حجت‌های خود نازل فرمود تا آنان با رساندن آن به انسان‌ها به رسالت تبلیغی خود عمل کنند و این مهم را به صورت امانت به دست ما سپردند تا ما نیز هم افق آنان به انجام وظیفه بپردازیم تا به امید خداوند در روزی که خطابِ نگه‌داریدشان ، باید بازخواست شوند(الصافات : 24) می‌رسد، پاسخگو باشیم.

الحمد لله رب العالمین

[1] . نزلت في عثمان بن طلحة قبض منه النبي صلى الله عليه وسلم مفتاح الكعبة ودخل به البيت يوم الفتح فخرج وهو يتلو هذه الآية: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. فدعا عثمان فدفع إليه المفتاح.

[2] . حضرت استاد علی‌دوست در درس اخلاق 1393 نیز اینچنین فرمودند: چندی پیش به بنده خبری رسید که قبولش برایم دشوار بود، تا آن زمان که کلیپ تصویری خبر را دیدم.

این کلیپ، مربوط به سخنرانی یکی از روحانیون بود که با بی توجهی به مبانی، بسیار ساختار شکنانه سخن می‌گفت.

او چالش بین مذاهب اسلامی را محصول برخی از فتاوی‌های شیعه می‌دانست و می‌گفت: وقتی امامت در نزد شیعه جزء ضروری دین است، در نتیجه منکر آن (اهل تسنن) کافرند و احکام کافر در حق آنان جاری است !!

طلاب در دوره مقدمات با فتاوی‌های شیعه و کتاب «العروة الوثقی» آشنا می‌شوند و در آنجا فرا می‌گیرند که هرگونه انکار ضروری به کفر نمی‌انجامد.

آیت الله سید محمد کاظم یزدی علیه الرحمة می‌فرماید:

« والمراد بالكافر من كان منكراً للالهية او التوحيد او الرسالة او ضرورياً من ضروريات الدين مع التفات الى كونه ضرورياً بحيث يرجع انكاره الى انكار الرسالة». (سيد محمد كاظم يزدى، العروة الوثقى، ج ١ ص ١٣٨)

« كافر كسى است كه انكار الوهيت خدا و يا توحيد و يا رسالت كند و با يكى از ضروريات دين را با علم به آن انكار نمايد بطورى كه انكارش بازگشت به انكار رسالت نمايد».

شيعة، به مسلمان بودن هر انسانی كه شهادتين بر زبان جارى كند، باور دارد.